



سینه‌فر پی بیزار گشیت رفیق سهراپ شهید ثالث

او پیشکسوت گونه‌ای نگاه تازه از عدسي
دوربین به دنیای پیرامون خود بود که
اکنون، چه در میهن و چه در عرصه
سینمای جهانی، با ستایش و تحسین های
صمیمانه روپرتو شده است

هفتم تیرماه ۱۳۲۳، در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند، چهار سال در اتریش در رشته سینما تحصیل کرد، و پس از آن دو سال در کسری و اتوار مستقل سینمای فرانسه در پاریس، در رشته فیلم تحصیلاتش را ادامه داد. در این سالها بسبب وضع بد مالی مجبور به انجام کارهای شاق گردید که منجر به ابتلاء وی به سل ریوی شد، پس از آن نیز دچار بیماریهای متعدد دیگر شد. روح پر تلاطم سهراپ اما، سکون و تسلیم نمی‌شناخت «اراده‌ای او برای ساختن و خلق کردن چنان شگفت بود که گاه ترس می‌آفرید که سهراپ لحظه‌ای دیگر جان می‌باشد.» (کلک، شماره ۴۰).

رفیق شهید ثالث، برغم تواضع و فروتنی اش، در کار هنری اش، از سیناریوگرفته تا ریز ترین امور فنی، ذره‌ای از اصولی که بدان باور داشت کوتاه نمی‌آمد و گاه تاسه سال در برابر تهیه کنندگان خود، بر نظر خوشیش پا می‌فرشد. او هنرمندی صاحب آرمان و اندیشه بود، و معاوی، بقول خوش، خود را متعلق به «خانواده»، یعنی حزب توده ایران، می‌دانست.

رفیق سهراپ، گه گاه در مطبوعات حزب با نام مستعار مقالاتی به چاپ می‌رساند. آثار شهید ثالث سرشار از مدلی و همنفسی با آدمهایی بود که هریک از زندگی به نوعی، ضربات جبران ناپذیر خورده بودند. قهرمانان او بکار گذارده شدگان، اندوه زدگان و نفرین شدگان جامعه ناعادل خود بودند، و هم اینان، گاه در برابر سست، و عوامل تحقیر و استثمار خود، به طفان و شورش بر می‌خاستند (فیلم «اتویی»). او لهیب سوزان عشق به مردم ستمنیده که همواره روحش را به تاب و تاب وا می‌داشت، با دورنمایه هایی بفاتیت هنرمندانه و عاطفی در قالب فیلم هایی مانند گار باز می‌تاباند، و بازتاب همین شعله سوزان را در عمل اجتماعی، در «خانواده» (حزب) می‌جست، و تجلی آمال و آرزوهای اجتماعیش را در حرکت حزب، امیدوارانه، می‌دید. رفیق سهراپ هنرمندی پیشو و میتکر، دارای حس عاطفه بغايت ژرف هنری از یک سو، از سویی دیگر انسانی فروتن، منصف و بی‌غل و غش بود که بیماریهای مداوم، رنجهای جسمانی و روحی و مسکن خانمانسوز هرگز توانست خصلت‌های انسانی و صفاتی اخلاقی او را خدشه دار سازد. او پیشکسوت گونه‌ای نگاه تازه از عدسي دوربین به دنیای پیرامون خود بود که اکنون، چه در میهن و چه در عرصه سینمای جهانی، با ستایش و تحسین های صمیمانه روپرتو شده است. ما واقعه جرمان ناپذیر مرگ رفیق سهراپ شهید ثالث را به سینمای پیشو ایران، به همه هنرمندان میهنمان، به رفقاء توده ای و خانواده شهید ثالث تسلیت می‌گوییم. یاد و آثارش جاودان باد.

ادامه در صفحه ۵

حزب توده ایران، یورش ارتیاج به روزنامه
جامعه را محکوم می‌کند در صفحه ۳

خر، تلغ و جانگذاز بود: سهراپ شهید ثالث، سینماگر هنرمند، کارگردان و سنتاریست ژرف بین، هنرمند توده ای، درگذشت. رفیق سهراپ شهید ثالث در

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۳۵، دوره هشتم
سال چهاردهم، ۱۶ تیرماه ۱۳۷۷

«مجلس ضد ملت، انحلال، انحلال»

مراسم تودیع با عبدالله نوری، که روز سه شنبه ۹ تیرماه، در دانشگاه تهران برگزار شد، بازتاب بسیار گسترده ای در مطبوعات کشور یافت. روزنامه جمهوری اسلامی، رسالت، فردا و کیهان، ضمن نکوهش شدید این مراسم از «شعارهای ضد قانون» در این مراسم، بشدت انتقاد کردند، و از سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری، خواستند که در برابر این «بی قانونی ها» سکوت نکند.

روزنامه سلام، پیشنهاد ۱۱ تیرماه، نیز در پاسخ به چنین فراخوانی از سوی جناح مقابل، ضمن دفاع از برگزاری جلسه، در نکوهش شعارهای مردمی نوشت: «جلسه ای که روز سه شنبه در دانشگاه تهران بدین منظور تشکیل شد... بسیار طبیعی و مناسب به نظر می‌رسید، اما سردادن برخی شعارهای منفی و علیه یک جناح در مجلس و ریاست محترم آن و بطور کلی ابراز مخالفت با مشروعیت مجلسی که در هر حال برخاسته از رأی همین ملت است حرکتی بود که کارکرد آن درست برخلاف شعار توسعه سیاسی دولت ادامه در صفحه ۴

در این شماره

- | | |
|----------------------------|--------|
| تلاش برای ائتلاف | در ص ۲ |
| چوب و شلاق و پرونده شهردار | در ص ۲ |
| ۴۰ درصد کاهش حقوق کارگران | در ص ۳ |
| پیروزی تیم فوتبال ایران | در ص ۵ |
| «نه» قاطع کمونیست ها | در ص ۸ |

حزب توده ایران، از نخستین سازمان های سیاسی کشور بود که در آذرماه ۱۳۷۲، ضرورت مبارزه مشترک برای تحقق چنین خواستی را بیان کرد، و با انتشار «منشور پریاد» خواهد داد.

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

تلاش برای ائتلاف بین «روحانیت مبارز» و «مجمع روحانیون

۱۳۷۶ را بخوبی دریافته و در مقام تجدید نظر جدی در روش‌ها و بینش‌ها هستند؟ چنانچه انگیزه نخست ملحوظ نظر باشد، قاعده‌تاً چنین انتلافی نه تنها برای آنان سرانجامی نخواهد داشت، بلکه می‌تواند آسیب‌هایی نیز به اجتماع مولفه وارد ساخته و بدینوسیله از حضور مردم در صحنۀ انتخابات خبرگان رهبری که حائز اهمیت فراوانی نیز هست، بکاهد.

حال چنانچه واقعًا مقصود اصلی طراحان «تر وحدت و ائتلاف» متاثر از پیام دوم خردادهای باشد، علی‌الاصول این انتظار به حق نیز وجود خواهد داشت که ائتلاف و همدی با رعایت موازین باد شده و برپایه عدم تمکن قدرت و بذریش اصل تساوی در حقوق، برای آحاد ملت و تمامی گروههای مسلمان دوستدار اقلاب اسلامی استوار گشته و بدینوسیله با اتخاذ سیاست‌های مسالمت‌آمیز شرایط لازم را برای ایجاد سازمانی منسجم، مشکل از نیروهای خودی می‌گردد تا در پرتو استقرار چنین سازمانی، امکان مشارکت فراگیر مردم در اتخاذ تصمیمات و اجرای آن عملی شود....»

بر اساس گزارش روزنامۀ سلام، سه شنبه ۹ تیرماه، اخیراً تلاشی جهت ایجاد ائتلاف بین «روحانیت مبارز» و گروه‌های همسو با «مجمع روحانیون مبارز» صورت گرفته است. روزنامۀ «فردا»، پنجشنبه ۱۱ تیرماه، از دیدار مخفیانه کروی و ناطق نوری، و همچنین از دیدار امامی کاشانی با کروی خبر داد و نوشت که در این دیدارها در طرف اذعان داشتند: «که بدليل تشدید اختلاف، سلیقه و نگرش‌ها میان جریان‌های اصولی اتفاقی، برخی از گروههای فرست طلب از این فضا حداکثر استفاده را برده و در صدد ضربه زدن به اسلام و انقلاب هستند....» روزنامۀ سلام نیز در تقسیمی پیرامون این تلاش‌ها با ابراز نگرانی از مقاصد پنهان در این تلاش‌ها، پیش شرط‌های خود را برای دستیابی به چنین ائتلافی توضیح داد. روزنامۀ سلام از جمله می‌نویسد: «... آیا طراحان طرح ائتلاف تلاش‌های اخیراً بطور مقطوعی و صرفه با اعتبار نزدیک شدن به انتخابات خبرگان رهبری و با هدف «گل چیدن» از بوستان ملت، در کنار ریس محترم جمهور که در حال حاضر به صفت مرام و مقام خود و به عنوان عنصری منسوب به جامعه روحانیون مبارز، محبوب دلهاست، تعقیب می‌نمایند؟ یا اینکه واقعًا پیام‌های ویژه دوم خردادهای شود....»



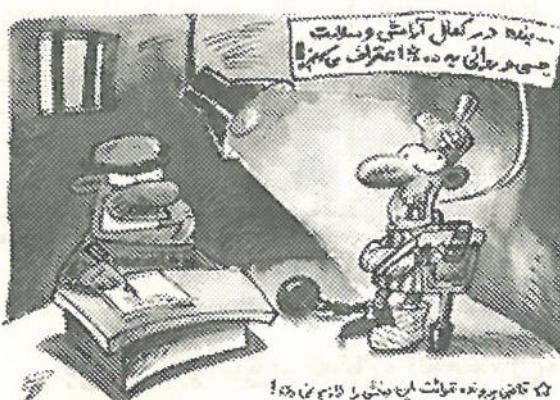
اعتراف‌های جالب در مورد اصفهان و نجف آباد

بر اساس گزارش روزنامۀ همشهری، پنجشنبه ۱۱ تیرماه، سید جعفر موسوی، استاندار اصفهان، در نامه‌ای به ناطق نوری، رئیس مجلس شورای اسلامی، ضمن نادرست شمردن اتهامات نمایندگان مجلس، در مورد عملکرد عبدالله نوری، در جریان اصفهان، پرده از روی بسیاری از مسائل بر می‌دارد، که جالب و خواندنی است. موسوی می‌نویسد: «در سال ۶۸ به علت عزل قائم مقام رهبری از طرف حضرت امام و در سال ۷۳ به دلیل دستگیری و تبعید امام جماعت مسجد جامع، شهر نجف آباد دستخوش شنج و ناآرام شد. در آن سالها که حجم تأثیر و تحرک مردم نجف آباد به مراتب از آنچه در سال ۷۶ اتفاق افتاد کمتر بود، و علیرغم فعالیت گسترده مسئولان سیاسی، امنیتی و قضایی و حتی نظامی و انتظامی منطقه، کار به زد و خورد کشیده عده زیادی مجرح و مصدوم شدند و خسارات بسیاری به اموال عمومی وارد گردید که منجر به دستگیری های گسترده‌ای شد. ولی در وقایع اخیر بدون هیچ درگیری، باحضور فعال مردم خصوصاً خانواده‌های محترم شهیدان و روحانیون و معتمدان محلی و با همدلی و همکاری تمامی نیروها و مسئولان ذیریط و ضمن پرهیز از هرگونه اقدام تحریک کننده و خشنونت بار... هیچگونه حادثه‌ای فعالیت و نظم عمومی شهر را مختل نساخت....»

دشمنی با آمریکا - پیروی از اصول، یا مانور سیاسی

به این دلیل که دشمنی با آمریکا در صحنه بین‌المللی به یک پرستیز برای ما تبدیل شده است؛ ما کسی هستیم که با آمریکا؛ اگر نجنگیم برگ دیگری برای روکردن نداریم... شاید هم به این دلیل که دشمنی با آمریکا وسیله‌ای است که با آن می‌توان به تسویه حساب‌های سیاست داخلی پرداخت. گروه رقیب به دنبال عادی سازی روابط است و برای چوب لای جرخ آن گذاشت، خوب است که هر از یک چند یک موضع گیری خارج از عرف دیپلماتیک، و بلکه خارج از هر عرفی، تمام رشته های آن را پنهان کنیم. این علاوه بر عقیم گذاشت چاره‌اندیشی‌های آنان نوعی چشاندن ضرب شست هم هست که کار کرد تشفی روان دارد و پاسخی است به آن شادی ها و گل افسانی‌ها....». روزنامۀ جمهوری اسلامی، در شماره چهارشنبه، ۱۰ تیرماه خود در پاسخ شدید العنی به این مقاله روزنامۀ «جامعه»، درباره موضع این روزنامه از جمله نوشت: «لزومی ندارد که شامه چندان تیزی داشته باشیم تا بوي عفونت بار خیانت و ذلت پذیری حقارت و زیبونی را در سطر سطر برخی نوشتے ها احساس کنیم....»

روزنامۀ جامعه، دریکی از مقالات شماره سه شنبه ۹ تیرماه ۱۳۷۷، به ارزیابی سیاست ایران در قبال دولت آمریکا پرداخته است، و در این باره نکات جالبی را طرح می‌کند. روزنامۀ جامعه از جمله می‌نویسد: «پاسخ کلاسیک دولتی به این پرسش این است که چون آمریکا در گذشته پنین و چنان کرده است، تاریختار خود را تغییر ندهد، امکان بهبود روابط منتفی است. اما آیا می‌توان این سخن را باور کرد؟ آیا هیچ صداقتی در این اشتراک نهفته است؟ حققتاً موضع رسمی ما در مقابل آمریکا به دلیل عملکرد اوست و اگر او تغییر کند، ماهم حاضر به تغییر؟ از این نکته بگذریم که اگر گذشته ملاک تصمیم‌گیری ما باشد، مایم توانی ادامه رابطه را بررسیه را نیز به باز پس دادن شهرهای شمالی موقول کنیم، ادامه رابطه با افغانستان را به باز پس دادن هرات، و یا نزدیک تر، ادامه رابطه با عراق و عربستان را به تأیید های زیان‌های مادی، معنوی چنگ... آیا مراکز اقتدار در ایران حاضرند با آمریکا رابطه برقرار کنند؟ پاسخ بدون ذره ای تردید منتفی است. اما چرا؟ شاید



«شلاق و چوب»، پرونده شهردار، و دادرسی» در جمهوری اسلامی

غلامحسین کرباسچی، در ادامه

ادامه در صفحه ۵

واقعاً زنده باد ما

روزنامۀ سلام در سیtron نظرات خوانندگان خود، مطلب جالبی دارد از قول یک خواننده روزنامه، که تاکتیک‌های مبارزاتی جناح طرفداران خاتمی در اوضاع کوتی کشور را چنین توصیف کرده است: «زنده باد ما طرفداران آقای خاتمی که فروتنانه کنک می‌خوریم، مؤبدانه مورد اهانت و فحاشی قرار می‌گیریم، خاصانه مجلس را به جناح مقابله و اگذار می‌کنیم، صبورانه استیضاح وزیر کشور را تحمل می‌کنیم، بزرگوارانه خیلی از حقایق را بر ملا نمی‌کنیم، متواضعانه در برابر شکنجه های مدیران در زندان سکوت می‌کنیم، قانونمندانه توسری خور جناح انحصار طلب شده ایم و بالاخره یک روز هم خیلی محترمانه از صحنه کنار می‌روم. واقعاً زنده باد ما».

چهل درصد کاهش قدرت خرید کارگران

کارگران تنها به اندازه یک سوم نیاز واقعی آنهاست، اضافه کرد: «با این وجود تعدادی افراد باصطلاح تحصیل کرده اعتقاد دارند حقوق کارگران باید کاهش یابد. بررسی ها نشان می دهد قدرت خرید فعلی کارگران نسبت به ۲۰ سال گذشته چهل درصد کاهش یافته است... در حالی که امروز بیکاری بزرگترین معضل اجتماعی بشمار می رود برخی کارفرمایان و مدیران واحدهای تولیدی به دلایل مختلف اقدام به تعطیل کردن کارخانه ها، اخراج و عدم پرداخت حقوق ماهانه کارگران کرده اند... کارگران هر روز شاهد به خطر افتادان امنیت شغلی یعنی اخراج از محیط کار خود هستند و در صورت بی توجهی به آن تعداد بیکاران روز به روز افزایش خواهد یافت....» محبوب همچین ضمن اعتراف به اعتراض وسیع کارگران بر ضد قراردادهای موقت کارگری، گفت: «این گونه قراردادها در کارهای مستمر مورد سوء استفاده بیش از پیش مدیران و کارفرمایان قرار گرفته است...» آقای محبوب مانند سران دیگر رژیم، روشن نکرد که برنامه دولت برای تغییر شرایط غیر قابل تحمل کنونی چیست، و یا چه برنامه ای برای مقابله با بیکاری روز افزون از سوی رژیم، ت渣ذ شده است.

گفتگو کرد. پروردی در دیدار با رفسنجانی، سفر خود را «قطعه عطفی در گسترش روابط میان اتحادیه اروپا و ایتالیا با ایران» دانست و گفت: «در بازگشتم از این سفر، نتایج حاصله را حتماً به اطلاع اعضای اتحادیه اروپا خواهم رساند....»

رفسنجانی نیز در پاسخ به این سخنان، ضمن تأکید بر اهمیتی که جمهوری اسلامی برای تعمیق و گسترش روابط خود با کشورهای اروپایی قائل است، گفت: «متأسفانه تاکنون همکاری ایران با کشورهای اروپایی به دلیل برخی کارشکنی ها و اعمال نفوذ ها از ثبات و استحکام لازم برخوردار نبوده است.»

هاشمی ضمن انتقاد به برخی برخوردهای نادرست کشورهای اروپایی، از «تحریمهای مکرر و بی جهت، تخلف از انجام تعهدات مانند تخلف انگلستان و آلمان و فرانسه و ایتالیا از انجام تعهدات خود در معاملات زیر دریایی، تانک، هلیکوپتر و نیروگاه های هسته ای و انتقال تکنولوژی» گله کرد.

ادامه اعتضاب ها و اعتراض های پرداخته کارگری در گوش و کنار کشور، نگرانی های عمیق سران رژیم «ولایت فقیه» را برانگیخته است. در هفته های اخیر، برخی دست اندکاران حکومتی، تلاش کردند ضمن ابراز «همدربی» با مشکلات کارگران، و تکرار قول های توخالی، محیط بشدت متینش و نازارم کارگاه های کشور را آرام کنند.

روز دوشنبه ۱ تیرماه، علیرضا محجوب، دبیر کل خانه کارگر، در اجتماع کارگران تهران، که در وزرگاه شهید معتمدی، برگزار شد، تلاش کرد با سخنان فربیکارانه ای خانه کارگر را دلسوز امور کارگران معرفی کند.

نکته جالب در سخنان محجوب، افسگری های جالب وی پیرامون وضعیت فاجعه بار کارگران بود. محجوب در سخنان خود از جمله گفت: «توسعه اقتصادی زمانی ایجاد می شود که به مهمنترین عامل تولید یعنی کارگران اهمیت داده شود. در حال حاضر از مجموع جمعیت فعلی کشور ۱۴ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر شاغل هستند که حدود ۷/۵ میلیون نفر را کارگران و کشاورزان تشکیل می دهند....» محجوب ضمن اعتراف به شرایط دهشتناک زیست کارگران، و قبول این واقعیت که مزد حقیقی

حزب توده ایران، یورش ارتیاع به روزنامه جامعه را محکوم می کند

پورش نیروهای ارتیاعی و واپسگرا، بر ضد نیروهای دگراندیش، در هفته های اخیر تشدید شده است.

تلاش نیروهای مدافعانه «ولایت فقیه»، همان طوری که فرمانده نیروهای سرکوبگران آن قبلاً اشاره کرده بود، «بریند زبان» های مخالف و سرکوب آن صدای قلم هایی است که با طرح مسایل و معضلات اجتماعی حاکم بر میهن ما، آگاهی اجتماعی را ارتقاء می دهند، و بدین ترتیب بر اینبوه مردم ناراضی از شرایط و تشنیه تغییرات بنیادین می افزایند.

نکته جالب اینجاست که روزنامه «جامعه» بدلیل اعتراض بحق به فرمانده سپاه پاسداران، به «دادگاه» مطبوعات کشیده شد، و فرمانده سپاه که بر خلاف حتی قوانین موجود در جمهوری اسلامی دگراندیشان را صریحاً به سرکوب و نابودی فزیکی تهدید کرده بود، در «دادگاه» محق تشخیص داده شد.

موج اعتراض وسیع توده ای، در داخل و خارج از کشور، بر ضد این تصمیم های سرکوبگرانه، از جمله شعار «جامعه، روزنامه مردمی»، توسط دانشجویان دانشگاه تهران، و افزایش تیراژ جامعه از بیش از ۱۰۰ هزار به ۳۰۰ هزار، پس از صدور حکم «هیأت منصفه دادگاه مطبوعات»، نشانگر عمق تصریف مردم از اقدام های سرکوبگرانه دستگاه قضایی جمهوری اسلامی است.

حزب توده ایران، همگام با نیروهای مترقبی، آزادی خواه و ملی ایران، ضمن محکوم کردن این حرکات سرکوبگرانه، معتقد است که این حرکت ضمن آنکه به قصد ایجاد رعب و وحشت در بین سایر مطبوعات مستقل، سازماندهی شده است، در عین حال، بخشی از توطئه پلید و ضد مردمی است که هدف نهاییش سرکوب جنبش توده های خواهان آزادی، دموکراسی و جامعه مدنی است.

نخست وزیر ایتالیا در تهران

بر اساس گزارش خبرگزاری ها، رومانو پروردی، نخست وزیر ایتالیا، سه شنبه ۹ تیرماه، در رأس یک هیأت سیاسی - اقتصادی، برای یک دیدار رسمی وارد تهران شد. وی در فرودگاه تهران به خبرنگاران داخلی و خارجی گفت:

«ایران یک کشور مهم در منطقه است و ما برای روابط با جمهوری اسلامی اهمیت خاصی قائلیم....» پروردی اظهار امیدواری کرد که پس از سفر خود به تهران بتواند: «با همتایان خود در کشورهای عضو اتحادیه اروپا درباره توسعه روابط با ایران صحبت کند....»

پروردی در جریان سفر خود به تهران، با سید علی خامنه ای، هاشمی رفسنجانی، سید محمد خاتمی و سایر مقامات و مسئولان دولتی دیدار و

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

گل ها پرچم ها

و دست ها

ای دوست

دست مرا بگیر
و از زمین برخیز
ما هردو باهم ایم

ما هردو با هم فتح می کنیم

در واژه های پسپه دمان را،
و می شکیم سد یا جو و مأجوج راو بی می افکیم کاخ بلورین کود کان فردا را
با کوتولان اش،با گل ها، باد بادک ها، باد کنک ها
و رنگین کمان پرجم هایش

همه سبز

همه زرد

همه سبید

همه آبی

همه سرخ

همه...

ای دوست، ای همراه

دست مرا بگیر

برخیز از زمین

ما هردو باهم ایم

من، تو، ما

از بی کران تا بی کران هستی

از پرنج زاران «هوشی مین»

تا آوازه های کولی «لور کا» در سپیده دم
زیتون زاران اعدامو انجاماد قطره قطره خون «شیخ خیابانی»
بر سنگفرش های خیابان ها

تا مزارع نیشکر «جه گوارا»

و عصا و کلاه «چاپلین»

و طناب دار «زوپا»

و گل سنگ های جنگل سرخ «سیاهکل»

تا گیتار «ویکتور خارا»

و رقص عاشقانه «حلاج»

تا واپسین سرود سرخ «روزبه» در میانه میدان

و شکوفه های نیلی شعر «نرودا»

در سوگ مرگ «النده»، حمامه آزادی

تا چادر چیت کهنه مادر بزرگ با گل های ریز حنایی ایش
و عروسک پارچه ای دخترک غمگین در حلیب آبادان»

و کفشه های پاره پاره پسرک روزنامه فروش

پای دیوار «بینتگون» و «وال استرت».

دست مرا بگیر

دست مرا بگیر

و برخیز از زمین

ما هردو جون تنديس های آهن و پولاد

با هم ایستاده ایم

برابر جو خه آتش

و چشم بر راه داریم

رویش دست هایمان را

از خون و ماسه ها

در شبتم تقهه ای سحرگاهان.

دست مرا بگیر

برخیز از زمین

ما هردو با هم ایم

ای دوست، ای همراه، ای رفیق

آقای خاتمی است....» میثم سعیدی، یکی از اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت، که از سخنرانان جلسه تودیع با عبدالله نوری بود، ضمن تشریح موضع «دفتر تحکیم وحدت» درباره اوضاع کشوری کشور، از جمله گفت: «آرای مردم در دوم خرداد پاسخی منطقی به خواستهای آنها بود که علیرغم میل باطنی جناح انحصار به شماره اصلی ترین وزیر کابینه بحران هایی در کشور به وجود آمد که در نهایت به برکناری وزیر کشور به عنوان اصلی ترین وزیر کابینه و مدیر توسعه سیاسی کشور انجامید... طرح مسئله لغو نظارت استصوابی از سوی وزیر کشور یکی از عملهای ترین دلایل استیضاح وی بود... کسانی که مانع ابراز اندیشه مردم شوند مخل امنیت کشور هستند، ولو این که نماینده باشند...».

دوزدوزانی، دبیر انجمن اسلامی معلمان ایران، نیز از دیگر سخنرانان این جلسه بود، که گفت: «باید پیام دوم خرداد جدی گرفته شود و من به عنوان کسی که سه دوره نماینده مجلس بوده ام با قاطعیت می گویم که وقتی استیضاح مطرح می شد نماینده گان نمی می کردند به نتیجه بررسند، ولی من وقتی گفتوگوهای مجلس را در پیان استیضاح آقای نوری گوش می کردم شنیدم وقتی آقای نوری خداحافظی می کردند به ایشان گفته شد که شما اینبار جور دیگری می روید! این چه استیضاحی بود که نتیجه اش از پیش معلوم بود؟! این مسائل با قداست نظام تعارض دارد...».

در این مراسم، همچنین، شمار اندکی از انصار حزب الله و دانشجویان بسیجی تلاش کردند جو جلسه را با شعارهایی علیه کرباسچی و عبدالله نوری عرض کنند، که با شعار اکثریت شکننده حاضران در سالن، صدای آنان خاموش شد. شماری از شرکت کنندگان نیز یک شماره روزنامه جامعه را در دست داشتند و در حمایت از این روزنامه شمار می دادند. شماری از شعارهایی که در جلسه داده می شد بشرح زیر است:

«دانشجو بیدار است، از انحصار بیزار است»

«مجلس فرمایشی، انحلال، انحلال»

«مجلس ضد ملت، انحلال، انحلال»

«مجلس فرمایشی، ملغی باید گردد»

«ناظر ناطق شرمت باد»

«صدرا و سیمای ما، اصلاح باید گردد»

«نیروی انتظامی، اصلاح باید گردد»

«یک مملکت یک دولت، آنهم به رأی ملت»

«جامعه، جامعه، روزنامه مردمی»

«آزادی اندیشه همیشه همیشه، استیضاح، استیضاح، تقلب، تقلب»

«وزیر ارشاد مورد تأیید نمایست»

«امام جمعه ما، رئیس جمهور ما»

«مجلس زوری نمی خواهیم، ناظر نوری نمی خواهیم»

«توسعه سیاسی، تحقق، تحقق»

رسوا شدن ماهیت ارتجاعی و ضد مردمی مجلس شورای اسلامی، در ابعاد کشوری، بی شک پدیده قابل توجهی است که باید از آن استقبال کرد. اهیت این موضوع بدان است که روش می کند توده ها در جریان مبارزه سیاسی، و از جمله بر اثرافشانگری های نیروهای پیشوای، و تجریبه عینی، به درک دقیق و روشنی از پدیده ها می رسدند، و این در ک را در شعارهای مبارزاتی خود معنکس می سازند. حزب توode ایران به هنگام برگزاری پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، در تشریح اهداف و برداشت انحصار طبلان از این روند، هشدار داد که «انتخابات» مجلس پنجم هدفش «قبضه کردن پیشتر قدرت سیاسی در دست یک گروه دست راستی، واپسگارا، و عمیقاً ضد مردمی و استبدادی...» است (نگاه کنید به «نامه مردم»، شماره ۴۷۳، ۲۴ بهمن ماه ۱۳۷۴). در همان دوران کم نبودند نیروهایی که از «انتخابات» مجلس پنجم بعنوان «پیروزی بزرگ نیروهای مردمی»، یاد کردند و این مجلس را گام مهمی در راستای «درهم شکستن رأی ارجاع»، ارزیابی کردند. ولی تجریبه دو ساله اخیر، و عملکرد مجلس، خصوصاً پس از دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، جای شک و شبهه ای برای کسی باقی نمی گذارد، که مجلس در کنترل نیروهای ارتجاعی و واپسگرا است، که از آن زیر پوشش «قانون»، برای قانونی کردن اختناق و سرکوب، استفاده می شود. عملکرد مجلس در جریان رسیدگی به لایحه بودجه سال ۱۳۷۷ و همچین در روزهای اخیر در جریان استیضاح وزیر کشور، حتی خوش باورترین معتقدان به «استقلال» مجلس شورای اسلامی را از خواب بیدار کرده است، و انعکاس این در ک است که امروز خود را به شکل روشنی در شعارهای مردمی بروز می دهد.

حزب توده ایران همواره معتقد بوده است که در مملکتی که حقوق اولیه انسان ها بدین شکل پایمال می شود و احزاب، سازمان های سیاسی و صنفی به شدید ترین شکل ممکن سرکوب می گردند، و دگراندیشان به شکجهه گاه ها و سپس به جو خه های اعدام سپرده می شوند، سخن گفتن از «انتخابات» آزاد، برای انتخاب یک مجلس واقعاً مردمی، تعاریف بیش نیست. برای این اساس است که ما ضمن حمایت از این خواست توده ها، معتقدیم تهرا راه تحقق چنین خواستی ایجاد یک جبهه وسیع و مردمی از همه نیروهایی است که به آزادی اندیشه، توسعه سیاسی و جامعه مدنی معتقدند، و برضد دیکتاتوری واستبداد می رزمند.



جشن و پایکوبی مردم تهران پس از پیروزی تیم ایران

یکشنبه، سی و یک خرداد، در میهن «زاندارک» و «کمونار» ها، تماشگران مسابقه فوتبال بین دو تیم ایران و آمریکا، شاهد حادثه ای بظاهر عادی، ولی در واقعیت، پراهمیت بودند. حادثه ای که بار دیگر به اثبات رساند که: ملت ها، دوست یکدیگرند، و این سرمایه سالاران و مستبدان زمانه هستند که دشمنی و کینه می کارند.

با آن همه پلیس و زاندرام، و آن میله ها و سدها، تلاش برای جدا سازی سیاست از فوتبال، و ملت ها، از ملت ها، کاری عیشت و بیوهده می نمود. وزشگاه دریابی بود آنکه از هیجان، شادی، عشق و دوستی. فضایی که در آن یکدلی و یکرنگی موج می زد، بی هیچ رنگی و نیز نیگی. اگر روزی روزگاری، در سالیان دور آینده، آیندگان از نوادگان خود پرسند که در آن یکشنبه شب، در شهر «لیون»، در مسابقه بین دو تیم فوتبال ایران و آمریکا، کدامین تیم پیروز شد، چنین پاسخی خواهد شد: برندگان بازیگران بودند، از هردو ملت، و نیز تماشگران بودند از همه ملت ها، و ملت ها بودند از همه سرزمین ها. و همگان محکم و استوار ایستاده بودند، در برابر ستمگران و جباران. در آن لحظات پرهیجان، پس از بیست سال نفرت ناخواسته ای که همواره قدرت های تخریب گرجهانی، برای حفظ منافع مالی، سیاسی و استراتژیک خود، بر ملت ها تحصیل می کنند، هنگامی که بازیکنان دو تیم به یکدیگر دسته گل هدیه می دادند یا پیراهن شان را [بر اساس گزارش خبرگزاری های جهان، دفتر سید علی خامنه ای، شب قبل از مسابقه، به بازیکنان ایرانی دستور داد بود از تعویض پیراهن با بازیکنان آمریکایی خود داری کنند] و یا دوست باری دهنده یکدیگر را برای برخاستن از زمین درهم می فشرند، این عشق انسان به انسان بود که در زمین و وزشگاه به هم گره می خورد.

در پایان مسابقه، برای بازیکنان و تماشگران حاضر در وزشگاه، و میلیون ها تماشگر که از دور مسابقه را نظاره می کردند، دیگر مسأله اصلی، یعنی: مسابقه، توب، دروازه، زمین بازی و بردن یا باختن، رنگ باخته بود و از یادها رفته بود. آنچه در آن یکشنبه طوفانی، مردمانی از هرگوش و کنار جهان، خود، بخشی از تاریخ بودند. تاریخ زنده مبارزه ملت ها از «آندلس تا اندونزی» و از «لیون» تا «هاوانا» و «تهران». آنچه مطرح نبود، بازندگان، حکومت های خود کامه، و استعمارگران نوین و جنگ افروزان تا دنдан مسلح.

شب بود یکشنبه شب. شب شادی، شب رقص، شب ترانه، در همه خیابان های تهران و دیگر شهرهای ایران. شب فتح ملت ها، شب پایکوبی میلیون ها دختر و پسر و زن و مرد در مقابل چشمان ارتیاع و واپسگاری [بر اساس گزارش خبرگزاری های جهان در پی پیروزی تیم فوتبال ایران بر تیم آمریکا، صدها هزار زن، مرد، دختر و پسر ایرانی در تهران به خیابان ها ریختند و با وجود حضور هزاران پاسدار و نیروهای انتظامی مسلح، به پایکوبی پرداختند].

شب بود یکشنبه شب. شبی که جان و دل تماشگران همه دیاران نیز، همراه با بازیکنان همه ملت ها، از دروازه های پیروزی تاریخ گذشت و تا بیکران تفاهم مردمان گستره گشته، به پرواز درآمد. چه با شکوه است انسانیت.

ادامه سفر بی بازگشت رفیق سهرباب شهید ثالث ...

مسابقه جام جهانی فوتبال: پیروزی دوستی و صلح (نهایت رسمی)

ادامه دادگاه شهرداری تهران ...

دفعایات خود در دادگاه ویژه، مطالب جالب و افشاگرانه ای را پیرامون شکنجه «دادران»، قوه قضاییه عنوان کرد که بخش هایی از آن بشرح زیر است:

«کرباسچی: اگر در این جلسه توضیح می دهم نه برای این است که از خود دفاع کنم بلکه برای آن است که از آقای عظیمی نیا رفع اتهام کنم و به شما بگویم که اظهارات آقای عظیمی نیا که در زندان وصال از وی گرفته شده است قانونی نیست چرا که آقای عظیمی نیا به استناد نامه ای که در زمان آزادی نوشته است گفته که در طول مدت بازداشت در زندان افسرادری بوده است. بازجویی از وی توان با شکنجه و بکار بردن الفاظ رکیک و زشت حتی به مسئولان رده بالا نظام بوده است. اجازه بدھید تمام آن را برای شما بخوانم.

محسن: نیازی نیست.

کرباسچی: شما که نمی ترسید احاجزه بدھید بخوانم. ایشان گفته است که مراد ادار به نوشتن مطلبی کردند و آقای فرخ زادی به وی گفته که اگر در دادگاه علیه کرباسچی همان گونه که آقای ابریشم کار و قاسمی مشمول تخفیف خواهیم کرد. آقای ما شما را مشمول تخفیف خواهیم درآمد. آقای عظیمی نیا گفته است که بر اثر ضربات چوب و شلاق در زندان توان راه رفتن را نداشته است. اما در مورد انتخابات وظیفه شرعی و قانونی همه ما بود که برای گرم کردن تنور انتخابات به صحنه بیاییم و از تمام افراد بخواهیم در حد وسع و توانایی خود به جریان انتخابات کمک کنند. آقای عظیمی نیا از بنده سوال کردند که عده ای می خواهند به ستاد آقای خاتمی کمک بکنند و اگر کمک کردند و از ما چیزی خواستند ما می توانیم کمکی به آنها بکنیم. من در جواب گفتم که به هیچ وجه قرار نیست برای انتخابات از شهرداری امتیاز و کمکی در نظر گرفته شود. اما اگر کسی خارج از شهرداری می خواهد کمک بکند ما حرفی نداریم...».

سپس محسنی نامه ای را قرائت کرد که میان کمیسیون ماده پنج و آقایان حدادزاده و علوی روبدل شده بود و در نهایت عنوان داشت که افرادی در ساماندهی به دستور شما برای انتخابات مجلس پنجم میلیونها توانان هزینه کرده اند.

کرباسچی: دروغ است و در مورد آقای عظیمی نیا هم او الان آزاد است. آنچه در شرایط غیر عادی در زندان پس از ۵۰ روز افسرادری گفته است که مورد قبول نیست. آقای عظیمی نیا را آنچنان با ضربات شلاق و چوب انتظامی در دادگاه قادر به راه رفتن نبوده است...».

گزارشی باختصار از آفرینش های هنری سهرباب شهید ثالث و حضورش در مجتمع و محافل هنری *

۲۲ فیلم مستند از جمله: رقص ترکمان: رقص دراویش؛ رقص تربت جام؛ چشمی سرد (اسم قدیمی مهاباد): تخت چمشید؛ و ... فیلمهایی کوتاه و بلند: «آیا...؟»، برنده جایزه ملی بهترین فیلم کوتاه سال: «سیاه و سفید»، ۱۳۵۲، برنده جایزه پلاک طلا در فستیوال بین المللی کودکان: «یک اتفاق ساده»، ۱۳۵۲، جایزه بهترین کارگردانی از فستیوال بین المللی تهران: «طبیعت بیجان»، ۱۳۵۳، جایزه خرس نقره ای از فستیوال بریل، جایزه ژوری پروتستان، جایزه ژوری کاتولیک: دعوت به سینماتک پاریس در ۱۳۵۵، برای مرور آثار (اماژش)، که عموماً برای کارگردانان کلاسیک و من بنی برگزار می شود: «اتوپیا» (ناکجا آباد)، ۱۳۶۱؛ «زمان بلوغ»، برندۀ جایزه هوگو؛ «خطاطران یک عاشق»، ۱۳۵۳، برنده جایزه بهترین فیلم از جشنواره لندن: «گیرنده ناشناس»، ۱۳۶۲؛ «ساعت آبی» با «هانس، جوانی از آلمان»؛ «درخت بید»، ۱۳۶۳، بر اساس داستانی از چخوف؛ «فرزند خوانده ویرانگر»، ۱۳۶۴؛ «چیز موهومی به نام عشق»، ۱۳۶۵، بر اساس رمانی از لودویک فلن؛ ستاریو «چوب کبریت سوردی»، بر اساس داستانی از چخوف، این فیلم ساخته نشد؛ «گلهای سرخ برای آفریقا»، ۱۳۷۱، بر اساس رمانی از لودویک فلن.

ادامه «نه» قاطع کمونیست‌ها...

ادامه حزب توده ایران، جامعه مدنی...

آینده مشترک همه مریوط می‌شود، محروم می‌کند. ما تاکید می‌کیم، محدودیت دخالت دولت در امور اقتصادی، برای منافع ملی مشکل زا خواهد بود. چنین امری، عواقب جدی برای اشتغال و کیفیت زندگی بخش بزرگی از مردم، خواهد داشت.

ما معتقدیم که واحد پولی مشترک در این روند، بخشی از ساختمان نولیبرالی اروپا است که از سوی سرمایه فرامی‌توسط میزگرد سرمایه داران کلان و مجامع کارفرمایان اروپا، حمایت می‌شود. این واحد پولی ای است که در خدمت رقابت و جنگ اقتصادی خواهد بود. حزب کمونیست پرتعال صراحتاً اعلام می‌دارد که مواضع آن هیچ قرباتی با نظراتی که ضد اروپایی است و یا طرفدار خود کفایی سیاسی است، ندارد. موضع ما از ارزیابی وضعیت عینی پرقال، از اعتقاد مان به همبستگی بین المللی و از درک اتکاء متقابل عینی، و بین المللی شدن روند های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در انتهای قرن بیست، بر می‌خizد.

حزب کمونیست پرتعال، با مخالفت با روند وحدت پولی اروپا، و مردود شمردن این ادعایه جایگزینه واحد پولی مشترک، هرج و مرج پولی است به تعهد خود برای جستجوی راه های دیگر جهت ساختمان یک اروپایی ماهیتاً متفاوت، به همراه دیگر نیرو های چپ و مترقب، وفادار است. حزب کمونیست پرتعال تصمیم خود به ادامه مبارزه در دفاع از منافع ملی، و برای تغییر در گرایش ساختمان اروپا، مورد تاکید دوباره قرار می‌دهد. مبارزه ما برای یک اروپایی مشکل از کشورهای مستقل، که با دوش بدش هم برای اشتغال، بهبود زندگی مردم، و برای توسعه متقابل همدیگر، همکاری می‌کنند، ادامه خواهد یافت.

«اروپایی قادر به تأمین نیازهای اجتماعی شهر و ندان» و مبارزه برض بیکاری، نمی‌تواند یک اروپایی تحت کنترل منافع بازار های مالی باشد. کارگران و مردم محکوم نیستند که خود را با یک اتحادیه اروپای نولیبرالی دارای رشد اقتصادی بیش از بیش تمرکز شده، همراه، رشد دائمی بیکاری، کار بدون اینتی، فقر، محرومیت مدنی و خشونت، تطبیق بدنهند.

ما به سهم خود فریاد و مبارزه مان را آن نیرو های چپ و مترقب دیگر پیوند می‌دهیم که برض ساختمان نولیبرالی اتحادیه اروپا، و برای نشان دادن راه های جدید جهت پیشرفت، مبارزه، چشم انداز چپ، در دفاع از یک اروپایی برآورده نیاز های اجتماعی شهر و ندان، رفاه، صلح و همکاری مبارزه می‌کنند.

آزادی! نظرات خود را در این زمینه اعلام کرد. حزب ما در مقدمه «منشور آزادی» یادآور شد: «کشور ما، در تاریخ کوتاهی را در صلح، آرامش، و آزادی بسر برده است. در سده اخیر چه خونها که در راه آزادی و عدالت در میهن ما ریخته نشده است، و مردم ما هنوز در بند استبداد، بی قانونی و بی امنیتی اسیرند. دهه هاست که آزادی اندیشه و بیان جرمی نایخودنی است و انسان های میهن دوست، آزادی خواه و عدالت جو به خاطر تسلیم نشدن به استبداد و ظلم، به زندان اندانه شده اند، شکجه شده اند و چه بسیار به جوچه های اعدام سپرده شده اند...»

به گمان حزب توده ایران تحقیق آزادی و جامعه مدنی از این طبق ممکن خواهد بود: «تامین حق بلا منازع شهر و ندان در تعیین و انتخاب نوع حکومت، و ترکیب حکومت مرکزی از طرق مراجعة مستقیم به آرای عمومی؛

- تامین بدون قید و شرط آزادی اندیشه، مذهب، بیان و تشکل؛
- تامین بدون قید و شرط آزادی مطبوعات با هر دیدگاه فکری، فلسفی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی؛
- تامین بدون قید و شرط آزادی احزاب، سازمان ها و گروه های سیاسی و صنفی با هر دیدگاه فکری، فلسفی، سیاسی و یا مذهبی؛
- تامین برای برق حقوق فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زنان و مردان و از بین بردن کلیه قوانین محدود کننده حقوق زنان؛

- تامین حقوق ملی خلق های ایران در چارچوب یک ایران آزاد، مستقل و دمکراتیک؛
- تامین بدون قید و شرط آزادی اقلیت های مذهبی ...؛
- تامین حکمیت ملی ایران بر پایه استقرار روابط دوستانه، برابر و عادلانه با تامیم کشورهای منطقه و جهان؛
- انجلاز کلیه ارگان های نقیض عقاید، سرکوب و ترور در جامعه؛

• جدایی کامل دین از حکومت ممکن خواهد بود (نگاه کنید به «نامه مردم»، شماره ۴۱۶، ۱۶ آذرماه ۱۳۷۲).

سئوالی اساسی مرتبط با جامعه مدنی که نیازمند با سخنگویی است، اینست که آیا تحقق جامعه مدنی در وضعیت تداوم رژیم «ولایت فقهی»، ممکن است؟

پاسخ دادن به چنین سوالی از دو زاویه امکان پذیر است. نخست اینکه آیا نظرات مذکور در بالا با نظرات غالب سران رژیم «ولایت فقهی» که معتقدند «مشروعت نظام» سرچشمه «الهی» دارد، هیچگونه نزدیکی و یا مخوانی دارد؟ آیا عنوان نمونه بین «حق بلا منازع شهر و ندان در تعیین انتخاب نوع حکومت» با نظریه حکومت اسلامی معنوان «نظامی الهی» که «هدیه» خدا روزی زمین است و اداره آن بر عهده «ولی فقیه» است، هیچگونه نزدیکی می‌توان احساس کرد؟ آیا نظریه «گردن زدن و زیان بریند» دگراندیشان که امروز از سوی رهبران کلیدی رژیم مطرح می‌شود را می‌توان با آزادی بدون قید و شرط بیان اندیشه و مطبوعات، به یکدیگر «جوش» زد؟

رازیه دیگری که برای یافتن پاسخ به این سوال می‌توان برگزید، بررسی کارنامه عملکرد جمهوری اسلامی، حداقل در دهه گذشته، در ارتباط با حقوق انسانی شهر و ندان، و مدنیت است. رژیم «ولایت فقهی»، از جمله محدود کشورهای جهان است، که مکرراً بدليل نقض خشن حقوق بشر، از سوی سازمان ها و نهادهای بین المللی مورد نکوشش قرار گرفته است. سرکوب فکری و فیزیکی دگراندیشان، تا حد کشtar هزاران زندانی سیاسی در یکی از بزرگترین و سیاه کارانه ترین قتل عام های سیاسی تاریخ معاصر ایران، بخش جدایی ناپذیری از ساختار حکومت کنونی ایران است، که به اعتراض بسیاری از سران آن، در نیوشا، «آینده نظام» با مخاطرات جدی رو برو خواهد شد.

برای این مجموعه از داده ها، تجربه ها و درک دقیق و روش از نظرات غالبه، روش است که اندیشه استقرار جامعه مدنی، نه تنها هیچ همخوانی با نظریه «ولایت مطلقه فقهی»، که چیزی جز تبلور روش استبداد فردی نیست، ندارد، بلکه در تضاد آشکار با آن است. اتفاقی نیست که از هنگام طرح گسترش شعار توسعه سیاسی و استقرار جامعه مدنی، در جریان انتخابات دوم خرداد ماه، و با وجود تأیید غیر قابل انکار این خواست از سوی ۲۰ میلیون رأی دهنده ایرانی، دولت خاتمه نتوانسته است گامی اساسی در این راه بردارد. استفاده وسیع از گروه های مزدور، قدراء بند و چاقو کش «حرب الله»، و استفاده از نهادهای «قانونی»، مانند قوه قضاییه، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و نهاد «ولایت فقهی»، در حرکت های سرکوبگرانه سال گذشته برصدد جنبش مردمی، نشانگر نکته ای مهم و اساسی است که بسیاری از نیروهای سیاسی کشور، و از جمله طرفداران خاتمه فراموش کرده اند. نکته این است که در رژیم «ولایت فقهی»، سرکوب و تجاوز همه جانبی به حقوق شهروندان، خود بخشی از «قانونی» است، که حکومت کنونی را سریا داشته است. بر اساس همین «قانون» فردا می‌توان به نام «حفظ اقلاب و نظام مقدس اسلامی» هزاران نفر را دستگیر و انبوی را کشتار کرد و اجازه «قانونی» آنرا از «ولی فقیه» گرفت. بر اساس همین قوانین ارتقابی و واپسگاریانه است که زنان به عنوان شهر و ندان درجه دوم شناخته می‌شوند، و حقوق آنان این چنین وحشیانه پایمال می‌گردد. و باز بر اساس همین «قانون» است که فردا ریس جمهوری کنونی یاما باید برای «مصالح نظام» تسلیم «قانون» شود، و یا عنوان «سیدی ساده» و «گلول» دشمن خورده می‌توان اولاً کار برکنار کرد، و با او همان کار را کرد که با آیت الله منتظری، یکی از پیشکوتوان جنبش اسلامی، کردند.

حزب توده ایران در سالهای اخیر، و در نوسانات تند برخی جریان های سیاسی، که هرچند گاهی، امکان استحالة رژیم «ولایت فقهی» را مطرح کرده اند، همواره بر این نکته تاکید کرده است که رژیم «ولایت فقهی»، بدليل ماهیت عمیقاً واپسگار و ضد مردمیش چنین توانی را ندارد. رژیم «ولایت فقهی» را مانند سایر رژیم های استبدادی و دیکتاتوری تنها می‌توان با مبارزه وسیع اجتماعی و اداره به عقب نشینی کرد. تصور استقرار جامعه مدنی در زیر سایه سیاست و شوم رژیم «ولایت فقهی»، سرایی بیش نیست. استقرار جامعه مدنی از درون مبارزه متحد و منسجم توده ها، و واپس زدن رژیم استبدادی حاضر، ممکن است. دوم خرداد ۱۳۷۶، نشان داد که توان توده ها بسیار فراتر از ارگان های سرکوبگر رژیم «ولایت فقهی» است. این توان را باید سازماندهی کرد.

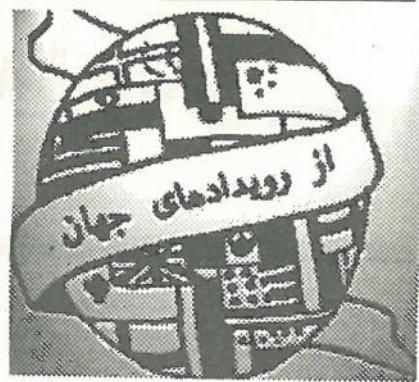
ریس جمهوری این کشور قرار گیرد. بر اساس همین قرارداد، «موبیل» حق اکتشاف و بهره برداری از حوضه نفتی سردار، که تخمین زده می شود بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیارد مترمکعب نفت داشته باشد، بدست آورده است (جمهوری آذربایجان نیز مدعی مالکیت این منطقه است) و کنسرویوم انگلیسی- چینی قرار است میدان نفتی «گاپسان» را، که کوچکتر از حوضه نفتی سردار است، توسعه دهد.

بر اساس گزارش خبرگزاری ها، نیازوف، در روزهای پایانی خرداد ماه، همچنین قراردادی برای همکاری و بازارسازی تأسیسات تصفیه و نمک زدایی آب دریا با شرکت های آمریکایی امضاء کرده است.

نفت ترکمنستان و جای پای آمریکا

شرکت نفتی «موبیل» آمریکا، و کنسرویوم انگلیسی- چینی «کرن انرژی - تکسونا»، در اولین مناقصه بین المللی اکتشاف نفت در منابع نفتی ترکمنستان، در دریای خزر، برنده شدند.

قرار است ظرف مدت سه ماه آینده قرارداد و موافقنامه تولید شراکتی نفت در حوزه های مورد اکتشاف، برای تأیید نهایی، در اختیار مراد نیازوف،



بحران نفت، اوپک و گروه‌بندی جدید

کنونی، به ۱۵/۷ میلیارد دلار می رسد. کارشناسان اقتصادی پیش بینی می کنند که با توجه به ناتوانی مالی دولت روسیه، این کشور نتواند بدون کمک های خارجی گسترده ای جلو کاهش چشمگیر ارزش برابری رویل با ارزهای خارجی را بگیرد.

* کمونیست های روسیه خواستار برکناری یلتسین هستند

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست فدراسیون روسیه، در آخرین روزهای خرداد ماه در مسکو برگزار شد. در این پلنوم موضوع اساسی مورد بحث، برکناری یلتسین و راه های قانونی دستیابی به این مهم بود. گنادی زیوگانوف، رهبر حزب، در جریان پلنوم از جمله گفت: «حزب از همه امکانات قانونی برای برکناری یلتسین، بدليل بی کفایتی او بهره خواهد گرفت. او ایجاد کمیسیون ویژه ای را به این مناسب، در درون دوما، گام نخست مناسبی در این راستا دانست. زیوگانوف همچنین یادآور شد که کمونیست ها یک تظاهرات وسیع مردمی در سراسر روسیه بر ضد سیاست های دولت روسیه تدارک می پینند. در این پلنوم، همچنین موضوع وحدت حزب، در شرایط حساس کنونی، مورد بحث و بررسی همه جانبه قرار گرفت و کوشش برای ایجاد یک «پلاتiform لینینیستی - استالینیستی» در دون خوب، یک حرکت اشتباه و غیر قابل قبول اعلام شد. پلنوم با اکثریت آراء رأی به انحلال این پلاتiform داد. دریی برگزاری موقفيت آمیز پلنوم کمیته مرکزی، در روزهای اخیر اعلام شد که دولت روسیه، کمیسیون ویژه ای را برای راه های اعلام عدم کفایت یلتسین در مقام ریاست جمهوری، تشکیل داده است. زیوگانوف در روزهای اخیر همچنین یادآور شد که کمونیست ها احتمالاً به برنامه «ضد بحران» دولت یلتسین را مبنی خواهند داد، زیرا این برنامه تنها به تشديد فقر و محرومیت در جامعه منجر خواهد شد.

تأثیر بحران عمیق اقتصادی، که در اوایل خردادماه سال جاری، به سقوط چشمگیر ارزش سهام، و فرار سرمایه های خارجی از روسیه منجر شده بود، هنوز ادامه دارد. در روزهای پایانی خرداد ماه، سرگنی کیرنکو، نخست وزیر روسیه، در جلسه ای با حضور روسای ۱۰ شرکت عمده دارند، تلاش کرد حمایت این شرکت ها را برای دفاع از برنامه «ضد بحران» دولت جلب کند. کیرنکو، همچنین برای جلو گیری از بالاگرفتن موج اعتراض های وسیع توده ای برضد این برنامه «ضد بحران»، روز اول تیرماه، در سخنرانی خود قول داد که برنامه اقتصادی دولت برای غله بر بحران مالی اخیر «به بهای فشار به اقتدار کم درآمد» به مرحلة اجرا در نخواهد آمد...

کیرنکو به خبرنگاران گفت: «برنامه ضد بحران شامل اهم هایی است به منظور حفاظت از شهر و ندان فقیر». لازم به تذکر است که قبل از قول کیرنکو گفته شده بود که برنامه «ضد بحران» دولت روسیه شامل اقدام های «سریع، سخت و غالباً غیر محبوب» در جامعه خواهد بود، که اتخاذ آنها نیازمند «شجاعت سیاسی عظیمی» خواهد بود.

در روزهای اخیر، همچنین خبرگزاری ها از برگماری آنانوی جویايس، طراح سرمایه داری روسیه، به سمت «نیاینده ریس جمهوری در موسسه های مالی»، گزارش دادند. به اعتقاد بسیاری از ناظران سیاسی، برگماری چویايس، که در روسیه بسیار بدنام و مورد تغیر بخش بزرگی از جامعه است، با هدف جلب اعتماد سرمایه ها و موسسه های مالی - احصاری جهان و مستی بر ادامه حرکت دولت روسیه در راستای سیاست های مورد نظر این شرکت هاست. چویايس در سخنرانی پس از برگماری خود، اعلام کرد روسیه برای نجات از بحران مالی کنونی به ۱۰۱۵ میلیارد دلار نیاز دارد، و این در حالی است که بر اساس گزارش بانک مرکزی این کشور، ذخایر طلا و ارزهای معتبر خارجی روسیه در شرایط

اجلاس وزرای نفت کشورهای عضو اوپک، که در اولین روزهای تیرماه سال جاری، در وین برگزار شد، در شرایطی که بحران همه جانبه ای بازار نفت جهانی را فرا گرفته است، از اهمیت ویژه ای برخوردار بود.

نمایندگان کشورهای روسیه، مکزیک و عمان نیز که عضو اوپک نیستند، از جمله شرکت کنندگان در اجلاس بودند. اجلاس وین، روز ۳ تیرماه توافق کرد که میزان تولید نفت را ۳/۱ میلیون بشکه در روز تقلیل دهد ۲/۶ میلیون بشکه از سهمیه اوپک)، واژ این طرق تلاش کند گذشته حدوداً ۵۰ درصد کاهش یافته است، بگیرد.

بر اساس همین توافق، سهمیه تولید روزانه ایران می بایست ۳۰۵ هزار بشکه تقلیل یابد. اوپک از همه کشورهای عضو، از جمله جمهوری اسلامی که در گذشته قرارهای اوپک را رعایت نکرده اند، خواسته است تا توافق وین را اکیدا اجراء کنند. موافقنامه وین، عراق را که بدليل محاصره اقتصادی وضع ویژه ای دارد شامل نمی شود. میزان تولید عراق هم اکتوبر ۲/۱ میلیون بشکه در روز تخمین زده می شود. در چارچوب کشورهای اوپک، عربستان سعودی با ۸/۳۲ میلیون بشکه در روز، و ایران با ۸/۳۲ میلیون بشکه در روز، در میان کشورهای تولید کننده نفت عضو اوپک مقامهای اول و دوم را دارا هستند.

مقام های رسمی اوپک معتقدند که بدليل بحران اقتصادی «بیرهای آسیایی»، و ادامه رکود اقتصادی ژاپن، و تاثیر این بحران ها بر کشورهای منطقه از جمله چین، هند و همچنین کشورهای غربی، بحران کنونی کاهش چشمگیر قیمت نفت، با بحران های گذشته تفاوت ماهوی دارد.

بر اساس پرآورده کارشناسان اقتصادی، درآمد کشورهای عضو اوپک در سال گذشته بین ۳۰ تا ۴۰ درصد کاهش یافته است. از مسایل جدیدی که در مطبوعات جهان پیرامون این مهم دیگری که در مطبوعات عربستان می باشد، این کشور را برای بارتاب یافت، تلاش های مجدد عربستان سعودی برای ایجاد یک گروه بنده جدید نفتی در مقابل اوپک است. التعیینی، وزیر نفت

عربستان سعودی، که قبل اکنونی عظیم نفتی آرامکورا اداره می کرد، روز ۴ تیرماه، در یک مصاحبه مطبوعاتی، از ایجاد یک سازمان جدید شرکت های خود را دستور ایجاد کرد که هدفش نظارت بر تجارت جهانی نفت است، سخن گفت.

التعیینی، اوپک را یک ساختار کهنه و قدیمی خواند و گفت سازمان جدید از «آزاد اندیشانی» که بدنبال منافع ملی خود هستند» تشکیل خواهد شد، و افزود: «هشت یا نه کشور هستند که ذخیره، ظرفیت تولیدی و در عین حال وابستگی به درآمد نفتی دارند.... ». کوشش های عربستان برای ایجاد یک ساختار جدید در راستای منافع این کشور، پدیده جدیدی نیست. در اسفندماه گذشته، مکزیک، عربستان و نزولنا، برای کاهش قیمت نفت قرارداد های مشترکی را در ریاض و آمستردام امضاء کرده بودند.

«نه» قاطع کمونیست‌ها به اروپای سرمایه داران

موقعیت فعلی کشور ما، در اروپا تأثیر داشته است، این روند وحدت همه جانبه اروپا را پایان یافته دانسته، و امکان هر گونه مداخله ای در آن را بی فایده قلمداد می کنند.

اولاً آنها از برگزاری رفراندوم برای قرارداد ماستریخت، خودداری کردند، همان گونه که اکنون از مراجعت به رای دهنده‌گان در مورد واحد پولی اروپایی، خود داری می کنند. بعضی آنها به تبلیغات مدام و پرهزینه ساشین تبلیغاتی عظیم کمیسیون اروپا پیرامون مزایای یورو و قرارداد ماستریخت چسیده اند.

با قربانی کردن کشاورزی، ماهیگیری و بخش‌های مهم صنعتی کشور، و به بھای تعداد فزاینده ای کارگران مان که امیتیت کاری ندارند و بیکاری ساختاری ای که بالغ بر نیم میلیون نفر می شود، و نیز با کمک حساب سازی ماهرانه، پرتغال، خود را جزو آن دسته از کشورهای اروپایی، به استثنای سوئیس، بریتانیا، یونان و دانمارک، می داند که خود را پایه‌گذار یورو می شمارند. پرتغال در شرایطی به کلوب یورو می پیوندد که پائین ترین دستمزدها، پائین ترین حداقل حقوق، پائین ترین حقوق بازنیستگی و بالاترین سطح قدر و تمرکز ثروت را دارد. قبول «یورو» قدمی جدی است که کشور را به یک سیستم پولی واحد و بانک مرکزی ای که در قامت بانک مرکزی آلمان، و با شباهت تزیید که آن، ایجاد شده، و هیچ کنترل روی آن ندارد، واپسی می کند. ما از همین حالا می دانیم که قابلیت رقابت در آینده و مشکلات صادراتی، گرایش و بهانه برای این خواهد بود که دستمزدها را کاهش دهن، و اجازه بدهند که بیکاری افزایش باید.

باید یادآور شویم که تمام قدم های برداشته شده به سوی وحدت اقتصادی و پولی، از جمله مواقفناههای ماستریخت و آمستردام، بعنوان اقداماتی در جهت ایجاد اشتغال، به مردم ارائه شدند. اما واقعیت نشان می دهد که بیکاری و نابرابری در حال رشد است.

ما بر این باور هستیم که اتحادیه اروپا، با میلیونها بیکار، میلیونها فقیر، و قطبی شدن عظیم ثروت باید جای خود را به اروپایی بدهد که در آن اشتغال کامل، پیشرفت اجتماعی، دیالوگ فرهنگی، همکاری، توسعه هماهنگ و عمل مشترک برای صلح، جاری است.

اما گرایش نولیبرالی و پول مدارانه (مونتاریستی) که بر ساختمن اتحادیه اروپا مسلط است، در آن جهت نیست. عواقب ورود پرتغال به روند وحدت پولی اروپا، در تمامی عرصه های زندگی ملی ما، می طلبد که حزب کمونیست پرتغال با قدرت و حقی که از موقعیت آن بعنوان یک حزب سیاسی ملی نشأت می گیرد و قویا در گیر دفاع از منافع پرتغال، مردم آن و کارگرانش است، مواضع خود را صریحاً بیان کند. قبل از همه، ما این واقعیت را که چنین تصمیم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ای، که عاقب آن ارتباط جیاتی به آینده مردم پرتغال دارد، بدون یک بحث عمومی و ملی، و بدون برگزاری رفراندوم در مورد «یورو»، آنچنان که حزب کمونیست طلبیده بود، اتخاذ شده، محکوم می کنیم. ما دست شستن از حق حاکمیت ملی و وابسته کردن سیاست پولی کشور را به بانک مرکزی اروپا، محکوم می کنیم. این تقویض حق حاکمیتی است که دموکراسی پرتغال را از توانایی شرکت در تصمیم گیری های که به

ادامه در صفحه ۶

در سالیان اخیر، کوشش سرمایه داری بزرگ اروپا برای ساختاری کردن اتحادیه اروپا، و وحدت بخشیدن به سیاست گذاری های مالی، اقتصادی، اجتماعی و خارجی کشور های قدرتمند این قاره، بی وقفع در جریان بوده است. بدنبال انعقاد قرارداد ماستریخت، دولت های اروپایی با امضای موافقنامه آمستردام، تلاش کردن شرایط لازم و مناسب را برای وحدت مالی اروپا آماده کنند. در همه پرسی که در اوایل خردادماه، در دانمارک، پیرامون پذیرش موافقنامه آمستردام، برگزار شد، ۴۵ درصد رای دهنده‌گان مخالفت خود را با این برنامه سرمایه داری، که روز به روز دامنه بیشتری پیدا می کند، اعلام کردند. درصد بالای رأی مخالف در شرایطی داده شد که دولت دانمارک، در اتحاد با مخالف بانکی این کشور، و با به خدمت گیری تمامی امکان های تبلیغاتی خود، سعی در جلب نظر وسیع ترین بخش افکار عمومی دانمارک کرده بود. با وجود مخالفت بخش های عمدۀ ای از زحمتکشان اروپا، که این روند را در تضاد با منافع دراز مدت، و متوجه از بن بردن دستاوردهای مبارزاتی یک قرن اخیر خود می دانند، دولت های سرمایه داری، اعم از محافظه کار و سوسیال دموکرات، در اجلاس های نوبتی شش ماه یکبار خود، گام های بلندر تری را در این مسیر بر می دارند. در کفرانس اخیر سران دول اتحادیه اروپا، که در ۲۴ خردادماه، به میزبانی تونی بلیر نخست وزیر انگلستان، در شهر کاردیف برگزار شد، همه نشانه ها حاکی از تفاوت برس ایجاد «یورو» (EURO)، واحد پولی مشترک اروپایی بود. حتی کشور هایی مانند انگلیس، که قبل از مورد پیوستن به روند واحد پولی اروپایی اظهار تردید کرده بودند، آمادگی خود را برای پیوستن به آن در آینده، اعلام کردند. ژاک سانتر، رهبر کمیسیون اروپا، بدنبال اجلاس کاردیف، با ابراز خرسندی از تغییر محسوس موضع انگلستان، گفت: «سئوال دیگر این نیست که آیا انگلستان به «یورو» خواهد پیوست و یا نه، فقط این است که وقت خواهد پیوست.

در دانمارک کمونیست ها بطور خستگی تاذییری، همراه با دیگر نیروهای چپ و رادیکال، برای رأی «نه» در رفراندوم فعالیت کردند. در آکثر کشور های اروپایی، احزاب کمونیست روند نهادنیه دان اتحادیه اروپا را که شامل نهادهای قانونگذاری، قضایی، بانکی و سیاست گذاری اجتماعی و حتی نیروهای نظامی ویژه است، بر ضد منافع طبقه کارگر و دستاوردهای آن می دانند. در این زمینه از جمله رفیق کارلوس کاروالهاس، دبیر کل حزب کمونیست پرتغال، مطلع پیرامون علل مخالفت کمونیست ها با این روند نوشته است که بخش هایی از آن را در زیر نقل می کنیم.

«انتقاد ما از «یورو» و حرکت شتابان و تحملی بسوی ایجاد آن، هدیه چپ به بحث پیرامون تبعات اجتماعی و عاقب وحدت پولی برای اروپا و کشور ما بوده است. ما همیشه از یک اروپایی طرفدار صلح، همکاری و همبستگی، اروپایی که به جوانب اجتماعی و سطح توسعه واقعی اقتصاد کشورها می دهد، دفاع کرده و می کیم. در واقع، موضع حزب کمونیست پرتغال در ارتباط با بهم پیوستن کشور های اروپایی، بطور صریح متوجه شرکت موثر در کاهش جوانب منفی این روند، و ارتقاء هر آنچه که ما آن را مثبت می دانیم، است. ما این کار را از طریق ارائه پیشنهادهای و دخالت متعهدانه در پارلمان اروپا، برای تقویت موضع پرتغال در مذاکرات، و دفاع از منافع ملی آن انجام داده ایم. هم سویا دموکرات ها و هم حزب سوسیالیست حاکم، که تصمیم گیری های آنها در

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:535

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

8 July 1998

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

- ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse

نام

شماره حساب

کد بانک

بانک